

تحلیل فضایی توسعه یافتگی فرهنگی شهرستان‌های استان یزد

حسن حکمت‌نیا¹، علی طاوسیان²، مرادعلی الله‌وردی³، حجت رضایی^{4*}

- 1- استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه پیام نور، یزد، ایران
- 2- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه پیام نور، رضوان‌شهر، یزد، ایران
- 3- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه پیام نور، رضوان‌شهر، یزد، ایران
- 4- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

دریافت: 93/2/20 پذیرش: 93/10/27

چکیده

قابلیت‌ها و مزیت‌های نسبی محلی و منطقه‌ای به دلیل اثرپذیری از عوامل متعدد اقتصادی، اجتماعی و محیطی، همواره متفاوت است و این مهم سبب برتری پاره‌ای از نواحی بر نواحی دیگر می‌شود. به این ترتیب، شناخت مزیت‌ها و توان‌های محلی و منطقه‌ای از اصول بنیادین برنامه‌ریزی‌های توسعه به‌شمار می‌آید و راهکارهای علمی توسعه نیز با تبیین وضع موجود معنا می‌یابد. مقوله فرهنگ از مهم‌ترین مسائل مؤثر بر توسعه در جوامع انسانی است که در سال‌های اخیر رواج یافته و در برخی مناطق باعث توسعه یافتگی و در برخی باعث نابرابری‌های فرهنگی شده است. بنابراین، هدف از این پژوهش برآورد و سطح‌بندی شهرستان‌های یازده‌گانه استان یزد از نظر مؤلفه‌های فرهنگی است که با استفاده از 21 مؤلفه فرهنگی امکان‌پذیر شده است. روش تحقیق در این بررسی از نوع توصیفی، کمی و تحلیلی است. به‌منظور وزن‌دهی شاخص‌ها از روش دلفی و برای تحلیل داده‌ها در راستای سطح‌بندی شهرستان‌های استان یزد از روش ORESTE استفاده شده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که 1. شاخص‌های فرهنگی در شهرستان‌های استان یزد به‌صورت متوازن توزیع نشده و بین شهرستان‌ها از نظر توسعه خدمات فرهنگی اختلاف بسیاری دیده می‌شود؛ 2. شهرستان‌های مهریز، اردکان و ابرکوه به ترتیب در رتبه‌های یکم تا سوم از توسعه یافتگی فرهنگی و شهرستان یزد با مرکزیت شهری استان یزد در پایین‌ترین سطح قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: توسعه، توسعه فرهنگی، تحلیل فضایی، تصمیم‌گیری چندمعیاره، ارسته.



1- مقدمه

1-1- بیان مسئله

با گریزی به تاریخچه بحث‌های توسعه می‌توان گفت توسعه در دهه‌های پنجاه و شصت، صرفاً معنای اقتصادی داشت و با رشد تولید ناخالص ملی سرانه برابر بود؛ اما پس از دسترسی برخی کشورهای جهان سوم به هدف‌های سازمان ملل در زمینه رشد اقتصادی، سطح زندگی اکثر مردم در این کشورها در بیشتر زمینه‌ها بدون تغییر باقی ماند و دقیقاً در همین شرایط بود که توسعه از حالت مکانیکی غیرمنعطف و یکسونگر با گرایش اقتصادی به مفهومی پویا، منعطف، چندبعدی و فرایندی تبدیل شد. انتقادهای افرادی مانند دادلی سیرز¹، گولت²، دیاکیت³ و دیگران به نظریات توسعه‌ای که جنبه اقتصادی داشت، باعث شد بازنگری اساسی در تعریف توسعه صورت گیرد (دیاکیت، 1373: 69). بنابراین از دهه هفتاد به بعد، برای توسعه معنای متفاوت و چندجانبه‌ای قائل شدند؛ به طوری که سازمان ملل متحد نیز در قطعنامه 2626 درباره استراتژی بین‌المللی توسعه چنین آورده است: «تغییرات کیفی و ساختاری در جامعه باید به گونه تنگاتنگی به یک رشد اقتصادی سریع وابسته باشد؛ در عین حال که نابرابری‌های موجود (منطقه‌ای، محلی و اجتماعی) می‌بایست به نحو چشمگیری کاهش یابد» (فیروزآبادی، حسینی و قاسمی، 1389: 58؛ دیاکیت، 1373: 68). از دهه هفتاد، توسعه معنای صرفاً اقتصادی خود را از دست داد و لزوم چندجانبی بودن، و پوشش ابعاد گوناگون فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در کنار بعد اقتصادی را نیز دربرگرفت.

امروزه، نقش فرهنگ در مباحث توسعه از محورهای مورد توجه صاحب‌نظران است. کارشناسان توسعه فرهنگ و زندگی را جدایی‌ناپذیر می‌دانند؛ زیرا درک نیازهای جامعه نیازمند توجه به عوامل فرهنگی است (گرهارد لنسکی و جین لنسکی، 1376؛ سرخ‌کمال، بیرانوندزاده و زنجیرچی، 1390: 96). توسعه فرهنگی جزو جدانشدنی توسعه است و امروزه اثر آن بیش از پیش روشن شده است؛ به گونه‌ای که مطرح شدن فرهنگ به عنوان مهم‌ترین عامل در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها، و ضرورت پرداختن به آن در برنامه‌ریزی‌ها، از آخرین گام‌هایی

1. Dudley Seers
2. Gollet
3. Sidiki Diakite

است که طی سال‌های اخیر برداشته شده است (احمدی، 1370: 5؛ فاضل‌نیا، توکلی و تاجبخش، 1389: 150). در مورد اثر فرهنگ بر توسعه می‌توان به ایجاد دارایی‌های زیادی از قبیل مهارت‌ها و محصولات فرهنگی اشاره کرد که در ارتقای رفاه جامعه اثر بسزایی دارد. کاهش نابرابری در بهره‌مندی از منابع، دستاوردها و امکانات جامعه، یکی از مهم‌ترین معیارهای اساسی توسعه به‌شمار می‌رود؛ علاوه بر آن، مفهوم توسعه جدای از رشد در همه جهات، توزیع متعادل را نیز دربرمی‌گیرد (تقوایی و رحمتی، 1385: 117).

برای تعدیل در پراکنش شاخص‌های توسعه، برنامه‌ریزی جامع توسعه‌پذیری مناطق با هدف ارائه الگوی مناسب برای توزیع متعادل خدمات، جمعیت و سکونتگاه‌ها (تعادل فضایی) ضرورت می‌یابد. در فرایند برنامه‌ریزی توسعه، شناخت و تبیین سطوح توسعه‌یافتگی نواحی و آگاهی از قوت‌ها و ضعف‌های آن‌ها اهمیت بسیاری دارد؛ زیرا دستیابی به الگوواره توسعه پایدار نیازمند تعادل در توزیع شاخص‌های خدماتی، فرهنگی، اقتصادی، برنامه‌ریزی و... است (فنی، 1383: 2). دستیابی به توسعه در هر سطحی و با هر هدفی، نیازمند برنامه‌ریزی اصولی، کارآمد و اجرای دقیق آن است؛ بنابراین، برای انجام برنامه‌ریزی‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تدوین راهکارهای توسعه، موفقیت در برنامه‌ریزی و طرح‌های اجرایی؛ بررسی و شناخت توان‌ها، کمبودها و تعیین سطح توسعه‌یافتگی نواحی و سکونتگاه‌ها براساس پاره‌ای از شاخص‌های برتر ضرورت دارد (تقوایی و نوروزی، 1386: 60-61). به عبارت دیگر، زمانی که بی‌تعادلی در پراکنش فضایی شاخص‌های توسعه شدت بیشتری بگیرد، به صورت تصاعدی، عدم تعادل فضایی امکانات و جمعیت را دامن می‌زند و ضمن تشدید تمرکز شاخص‌ها در نقاطی که هم‌اکنون به معضل تمرکز مبتلا هستند، موجب رانش جمعیت و امکانات از مناطق محروم می‌شود و گره‌های کور عدم تعادل در سطح فضای جغرافیایی را بیشتر می‌کند؛ به گونه‌ای که می‌توان در یک سطح جغرافیایی شاهد توسعه و عدم توسعه مناطق بود (زنگی‌آبادی، 1378: 33؛ محمدی و ایزدی، 1392: 90).

بنابراین، ضرورت این پژوهش از آنجا ناشی می‌شود که فضاهای فرهنگی یکی از ارکان اصلی توسعه فرهنگی محسوب می‌شوند. از طرفی، یکی از مهم‌ترین اهداف برنامه‌ریزی فضایی - با توجه به محدودیت منابع - توزیع بهینه و متعادل امکانات و خدمات بین سکونتگاه‌های مختلف است. برای تحقق این امر به شناسایی سکونتگاه‌های مختلف از نظر میزان برخورداری آن‌ها از امکانات و خدمات گوناگون نیاز است؛ تا از این راه نقاط محروم و



توسعه‌یافته مشخص شود و برنامه‌ریزان بتوانند برای ایجاد تعادل فضایی و کاهش فاصله‌های بهره‌مندی بین مناطق اقدام کنند. بنابراین، در این پژوهش سعی می‌شود جهت دستیابی به توسعه متعادل در شهرستان‌های استان یزد، با بهره‌گیری از روش تصمیم‌گیری چندمعیاره (MADM)، به تجزیه و تحلیل شاخص‌های فرهنگی منتخب پرداخته و در نهایت، توزیع فضایی توسعه‌یافتگی شهرستان‌های مورد مطالعه در قالب مؤلفه‌های فرهنگی مشخص شود.

2- مبانی نظری

برای تدوین و ارائه چارچوب نظری تحقیق لازم است برخی واژه‌ها و مفاهیم مرتبط با موضوع تحقیق از جمله توسعه، فرهنگ و توسعه فرهنگی تعریف و تبیین شوند. با جست‌وجو در متون و منابع موجود در این حوزه درمی‌یابیم اندیشمندان و صاحب‌نظران توسعه و مقولات فوق تعاریف متفاوت و زیادی بیان کرده‌اند. نظر به اهمیت این موضوع، ابتدا برخی از تعاریفی که انطباق بیشتری با اهداف تحقیق حاضر دارند، بیان می‌شوند و در پایان تعریف عملیاتی از مقوله توسعه فرهنگی می‌آید که مبنای تحلیل این مقاله است.

2-1- پیشینه تحقیق

بحث درباره فرهنگ از دیرباز در جهان سابقه داشته؛ ولی بررسی آن با دیدگاه‌های جدید در این اواخر رواج یافته است. نخستین بار در یونسکو¹ بحث فرهنگی و توسعه مطرح شد. در دهه 1960-1970م در کشورهای اروپایی مفاهیم و واژه‌های جدید همچون توسعه فرهنگی و سیاست فرهنگی در عرصه فرهنگ مصطلح شد (Unesco, 1997: 10-18). در سال 1970م نخستین همایش در زمینه فرهنگ با حضور نمایندگان 85 کشور در ونیز برگزار شد. از این همایش به بعد، یونسکو به مقوله فرهنگ، توسعه فرهنگی، برنامه‌ریزی فرهنگی، سیاست‌گذاری فرهنگی، اقتصاد فرهنگی و پژوهش فرهنگی پرداخت و فرهنگ مانند آموزش جزو تفکیک‌ناپذیر توسعه اقتصادی-اجتماعی به‌شمار آمد و در تشکیلات آن سازمان‌های فرهنگی ایجاد شد (ستاری، 1354: 15). در همایش جهانی سال 1982م مکزیکوسیتی، به بررسی مفاهیم و تعاریف فرهنگ و توسعه، بعد فرهنگی

1. UNESCO

توسعه و توسعه فرهنگی به صورت تشریحی و توصیفی پرداختند و فرهنگ عنصر ضروری توسعه تشخیص داده شد. در این همایش، بی‌توجهی به مؤلفه‌های فرهنگی را شکست توسعه و فرایند توسعه را تحول فرهنگی قلمداد کردند.

در ایران، توجه به مقوله توسعه فرهنگی در قرن‌های گذشته بیشتر به معرفت‌انفس و بعدها به امور آموزشی اطلاق می‌شد؛ به نحوی که در برنامه‌ریزی‌های اول تا پنجم قبل از انقلاب، توسعه فرهنگی را معادل با آموزش دانسته‌اند. در برنامه‌ریزی‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی جمهوری اسلامی ایران، مفهوم توسعه فرهنگی معادل برنامه‌ریزی فرهنگی به‌شمار آمده و مفهوم فرهنگ به رشد و تعالی انسان‌ها، و بهبود کیفیت زندگی فردی و جمعی اطلاق شده است (سرخ‌کمال، بیرانوندزاده و زنجیرچی، 1390: 98). پژوهش‌های متعددی در زمینه توسعه فرهنگی در دهه اخیر صورت گرفته است؛ از جمله:

فاضل‌نیا، توکلی و تاجبخش (1389) در مقاله خود به ارزیابی برنامه‌ریزی‌های توسعه فرهنگی در مناطق روستایی بخش مرکزی شهرستان رستم پرداختند و نتیجه گرفتند که بین سطح برخورداری روستاها از امکانات فرهنگی با شرایط جمعیتی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین، نتایج این تحقیق نشان می‌دهد بین برنامه‌ریزی فرهنگی با شرایط اجتماعی و جغرافیایی هیچ رابطه معناداری وجود ندارد. محمدی، شاهپوندی و سلطانی (1390) در مقاله‌ای با استفاده از روش تحلیل عاملی، به توزیع فضایی خدمات فرهنگی و تعیین سطوح برخورداری استان‌های ایران پرداختند. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که بین استان‌های ایران از نظر سطح توسعه فرهنگی اختلافات زیادی وجود دارد؛ به طوری که استان تهران در بالاترین سطح و استان سیستان و بلوچستان در پایین‌ترین سطح از توسعه فرهنگی شناخته شده‌اند. محمدی و ایزدی (1390) در مقاله خود مناطق شهر اصفهان را از لحاظ شاخص‌های فرهنگی رتبه‌بندی کردند. نتایج تحقیق ایشان نشان می‌دهد که بین مناطق شهری اصفهان از نظر برخورداری از فضاها و امکانات فرهنگی تفاوت چشمگیری وجود دارد؛ به طوری که مناطق 7، 10، 13 و 14 با میانگین ضریب اولویت 0/04 در پایین‌ترین سطح برخورداری جای گرفته و اولین الویت توسعه را به خود اختصاص داده‌اند. سرخ‌کمال، بیرانوندزاده و زنجیرچی (1390) در مقاله خود به سطح‌بندی شهرستان‌های استان خراسان رضوی از لحاظ مؤلفه‌های توسعه‌یافتگی فرهنگی پرداختند و نتیجه گرفتند که در سال 1385، شهرستان گناباد رتبه اول و



شهرستان‌های درگز و بردسکن به ترتیب رتبه‌های دوم و سوم را از توسعه فرهنگی دارند. مشکینی و قاسمی (1391) در تحقیق خود با استفاده از مدل تاپسیس به سطح‌بندی شهرستان‌های استان زنجان براساس شاخص‌های توسعه فرهنگی پرداختند و اظهار کردند که شهرستان‌های زنجان و ماهنشان بیشترین رتبه و شهرستان‌های خدابنده و ایجرود با اختلاف زیادی از دیگر شهرستان‌های استان، کمترین رتبه را از نظر شاخص‌های فرهنگی دارند. محمدی و ایزدی (1392) در مقاله خود با استفاده از روش تحلیل عاملی، سطح توسعه فرهنگی شهر اصفهان را تحلیل و روشن کردند که توزیع امکانات و فضاهای فرهنگی در بین مناطق شهری اصفهان متعادل نیست و درنهایت، مناطق شهری اصفهان را در پنج طیف از توسعه‌یافتگی دسته‌بندی کردند.

2-2- توسعه و توسعه منطقه‌ای

توسعه (واژه متناسب‌تر آن با عنایت به بار معنایی، تناسب فرهنگی، ملی و منطقه‌ای و نیز متناسب با باورها و ارزش‌های اعتقادی جامعه ایرانی، «پیشرفت» خواهد بود) از مفاهیمی است که در دوران معاصر و به‌ویژه در دهه‌های پس از جنگ جهانی دوم در بین کشورها رواج بسیار یافته است (سبحانی‌نژاد و منافی، 1390: 13).

مفهوم توسعه که به تدریج جایگزین مفاهیم دیگری مانند ترقی، تکامل و رشد شده است، نخست از علوم طبیعی استخراج، و درباره فرایند تغییر در جوامع بشری به کار گرفته شد (وثوقی و ایمانی، 1389: 23). واژه توسعه در نخستین کاربردش به زبان فرانسه و انگلیسی، در سال 1752م به معنای رسیدن اهداف یا ایده‌هایی براساس طرح یا برنامه‌ریزی بود؛ سپس این واژه به عنوان مراحل مشخصی در برنامه‌ها استفاده شد و بعد مانند توالی بیولوژیکی تغییر از یک دانه و تخم گیاه به یک گل به کار رفت (Hass, 1992: 15). از نظر لغوی، واژه توسعه به معنای خارج شدن از پوشش است یا به معنای بروز و ظهور همه آنچه به طور بالقوه در چیزی وجود دارد (Riggsfred, 1984: 126).

مفهوم توسعه در طول قرن هجدهم میلادی به معنای فرایندی به کار رفت که طی آن، توانایی بالقوه یک ارگانیسم شکوفا می‌شود تا اینکه به شکل طبیعی و کامل به بلوغ نهایی برسد. در

دوره و فاصله بین ولف¹ تا داروین توسعه با واژه تکامل همخوانی پیدا کرد (Escobar, 1995: 8). در قرن نوزدهم میلادی، مفهوم هگلی تاریخ و مفهوم داروینی تکامل، در توسعه به هم گره خورد و در آثار کارل مارکس²، توسعه مقوله‌ای محوری شد. مارکس توسعه را در تغییرات اقتصادی می‌دید که بیشتر کیفی هستند. اقتصاددانان کلاسیک به توسعه به‌عنوان تحول فیزیکی زمین، کار و سرمایه به‌شکل‌هایی با قابلیت تولید و بهره‌وری بیشتر توجه کردند و از توسعه اقتصادی سخن گفتند (Hass, 1992: 15). با اجرایی شدن برنامه‌ریزی‌های توسعه در طی قرن بیستم و بروز آثار و نتایج آن، مفاهیم و معانی توسعه بسیار تحول یافت. زمانی که هنری ترومن³، رئیس‌جمهور آمریکا، در سال 1946م در سخنرانی خود اعلام کرد علی‌رغم اجرای برنامه‌ریزی‌های اقتصادی، مسائل کشورهای جهان سوم حل نشده مانده است، نظریه‌پردازان مکتب وابستگی نظیر فرانک و باران با انتقاد از نگاه ارگانیک‌وار به مفهوم توسعه، امپریالیسم و استعمار سیاسی - اقتصادی آن بر جهان سوم، تحمیل تقسیم کار بین‌المللی ناعادلانه، و وجود روابط نابرابر از طریق شرکت‌های چندملیتی و نهادهای مالی (مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی) را نوعی سرمایه‌داری سازمان‌یافته جهت استعمار ملل جهان سوم اعلام کردند؛ از سوی دیگر، سازمان ملل در گزارش‌های خود درباره وضعیت توسعه در کشورهای مختلف، بر برقراری تعادل میان ابعاد مختلف توسعه تأکید کرد. این عوامل به‌همراه تحولات بعد از جنگ جهانی دوم، گرایش حاکم در نظریات توسعه را به‌طور کلی متوجه مقابله با فقر و بهبود شرایط زندگی مردم کرد. در نتیجه، راهبردهای به‌کاررفته در نیمه دوم قرن بیستم سه تحول عمده را پشت سر نهاد: 1. در دهه 1950 و اوایل دهه 1960 توسعه معادل توسعه اقتصادی و رشد ناخالص داخلی تلقی شد و هدف اصلی دولت‌ها افزایش رشد اقتصادی بود (عمادی، 1384: 8). 2. در دهه 1960 رویکرد رشد توأم با توزیع جهت بهره‌مندی فقرا و در دهه 1970 رویکرد تأمین نیازهای اساسی برای جهت‌گیری گروه‌های هدف و توانمندسازی آن‌ها مورد توجه قرار گرفت. 3. در دهه 1980 توسعه به‌عنوان مفهومی چندبعدی مطرح شد که دربرگیرنده ایجاد بهبود در تمام سطوح زندگی مردم و رفاه همگانی بود. نظریات توسعه در این برهه، موفقیت را

1. Wolff

2. Karl Heinrich Marx

3. Henry Truman



منحصر به یک الگو ندانست و سرمایه‌گذاری در همه بخش‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را برای فراهم شدن زمینه‌های توسعه لازم دانست (رضایی، 1391: 57). حال اگر این تعاریف از توسعه را برای یک منطقه در نظر بگیریم، توسعه منطقه‌ای می‌تواند به‌عنوان جنبه پویای سیستم منطقه‌ای یا به‌طور دقیق‌تر به‌عنوان تغییراتی که در مکان‌های مختلف در طول زمان روی می‌دهد، تعریف شود. مطالعات توسعه منطقه‌ای در چند دهه اخیر به‌منزله نگرش‌هایی برای برقراری عدالت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، توزیع بهینه منابع و امکانات، رفاه و ثروت، تخصیص مجدد منابع، رشد متوازن‌تر نواحی و کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای مطرح بوده و مورد توجه بیشتر سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان ناحیه‌ای قرار گرفته است (محمدی و ایزدی، 1392: 92). در توسعه منطقه‌ای کوشش می‌شود بهترین شرایط و امکانات برای توسعه جامع فراهم آید؛ تفاوت‌های کیفیت زندگی بین منطقه‌ای و درون منطقه‌ای به حداقل برسد و درنهایت از میان برداشته شود؛ سرانجام جهت تأمین این دو منظور، بهترین بهره‌گیری ممکن از مواهب طبیعی و استعداد‌های انسانی یک منطقه میسر شود (محمدی و ایزدی، 1392: 92).

2-3- فرهنگ و توسعه فرهنگی

فرهنگ مفهومی پیچیده و پویاست که برای افراد مختلف، تنوعی از معنا را دارد. فرهنگ در زبان فارسی دراصل به‌معنای کشیدن، و سپس به‌معنای دانش، ادب، عقل و غیره به‌کار رفته است (خسروپناه، 1390: 22). در فرهنگ فارسی معین نیز به‌معنای ادب، تربیت، دانش، علم و معرفت آمده است (معین، 1388: 925). این اصطلاح در ادبیات انگلیسی، فرانسوی و آلمانی در کاربردهای آغازین خود، به‌معنای سکنی گزیدن، کشت کردن، حراست کردن و پرستش کردن به‌کار رفته و به مرور، به‌معنای نهفته در کشت کردن رواج یافت و به همین معنا در قرن شانزدهم میلادی وارد حوزه علوم انسانی شد. در حال حاضر، نمایانگر یک فرایند و حقیقت عام و انتزاعی است (پهلوان، 1382: 3-4).

نخستین تعریف جامع و علمی از فرهنگ را ادوارد بارنت تیلور¹ در سال 1871م بیان کرد. او در تعریف انسان‌شناختی خود از فرهنگ می‌نویسد: فرهنگ در معنای وسیع، کلیت درهم‌بافته‌ای

1. Edward B. Tylor

شامل دانش، هنر، اخلاق، قانون، آداب و رسوم و هرگونه قابلیت و عاداتی است که به وسیله انسان به عنوان عضوی از جامعه کسب شده باشد (شریف‌زاده و کاظمی، 1377: 11).

تریدانسیس¹ (4: 1972) فرهنگ را مفهومی می‌داند که دارای دو مؤلفه ذهنی و عینی است. در این تعریف، فرهنگ ذهنی شیوه ویژه‌ای برای ادراک فرد از بخش انسان ساخت محیط زندگی است که ادراک، قوانین، مقررات، هنجارها و ارزش‌ها را شامل می‌شود. از سوی دیگر، فرهنگ عینی بر نظام‌های حقوقی، اقتصادی، سیاسی، مذهبی و آموزش تأکید می‌کند (Ang & Inkpen, 2008; Leung & Ang, 2008). به عقیده نیتو² (146: 2004) فرهنگ شامل ارزش‌ها، سنت‌ها، روابط اجتماعی - سیاسی و جهان‌بینی ایجادشده، به اشتراک گذاشته‌شده و دگرگون‌شده به وسیله گروهی از مردم است که از طریق تاریخ، موقعیت جغرافیایی، زبان، طبقه اجتماعی، مذهب یا سایر هویت‌های مشترک با هم پیوند دارند.

فرهنگ در تعریف کوهن (74: 1964) عبارت است از: دستاوردها، نهادها، عقاید و مجموعه‌ای از قواعد معاشرت و رفتارهای مرسوم که جامعه آن را برای بهره‌برداری از نیروهای بالقوه موجود در زیستگاه خاص خویش به کار می‌گیرد. فرهنگ مجموعه کلی از اجزای معنوی، مادی، فکری و عاطفی است که جامعه یا گروهی را متمایز می‌کند. فرهنگ نه تنها دربردارنده هنر و ادبیات است؛ بلکه شیوه‌های زندگی، حقوق اساسی بشر، نظام‌های ارزشی، سنت‌ها و باورها را نیز شامل می‌شود (یونسکو، 1376: 114). فرهنگ پایه‌های رفتارهای انسانی به شمار می‌رود و بخش زیادی از رفتارهای اقتصادی نیز بر این بنیان استوار است. توسعه اقتصادی که مستلزم انجام رفتارهای ویژه در زمینه‌های مختلف زندگی انسانی است، به فرهنگ و باورهای فرهنگی وابستگی بسیار زیادی دارد؛ از اینجاست که در تمثیل درخت توسعه اقتصادی، ریشه این درخت همان باورهای فرهنگی است (عظیمی، 1383: 183).

توسعه فرهنگی به معنای اخص، مانند فرایند توسعه اقتصادی دارای تعریف، محتوا و هدف‌های مشخصی است. مفهوم توسعه فرهنگی طی دهه 1960-1970 در

1. Triandis
2. Nieto

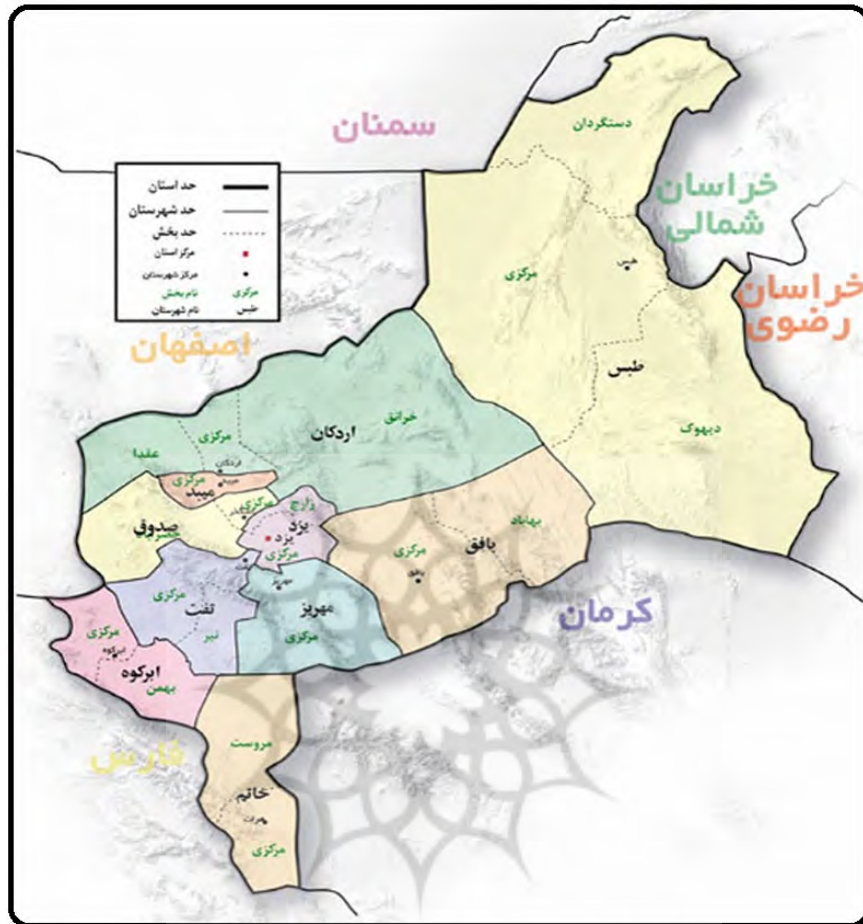


برنامه‌ریزی‌های یونسکو تحول یافت و شکل پذیرفت. توسعه فرهنگی نیز مانند توسعه آموزشی و توسعه علمی و فنی در آخرین تحلیل، مسیر و مبحث جداگانه‌ای نیست؛ بلکه جزء جدایی‌ناپذیر توسعه عمومی و کلی است که وسیله، محتوا و غایت آن انسان است (اردلان، 1381: 26-27).

در گزارش کمیسیون امور فرهنگی برنامه‌ریزی ششم فرانسه (1971-1975) در مورد توسعه فرهنگی چنین می‌خوانیم: توسعه فرهنگی جامعه در لحظه معینی از رشد اقتصادی و اجتماعی آن باید چگونگی روابط متقابل انسان و جامعه مورد نظر را تعیین کند؛ به این معنا که حد خودمختاری شخص باید توانایی‌هایش را برای تثبیت خود در جهان، برقراری ارتباط با دیگران و مشارکت بیشتر در جامعه و در عین حل توانایی‌ها را کردن خود از چنگ آن نشان دهد. گرچه اعضای کمیسیون ممکن است دارای عقاید سیاسی متفاوتی باشند، پاره‌ای از ارزش‌های فردی و اجتماعی برای آنان رشد فرهنگی را نهایت رشد و توسعه اقتصادی می‌دانند (پهلوان، 1381: 14).

توسعه فرهنگی فرایندی است که طی آن با ایجاد تغییراتی در حوزه‌های ادراکی، شناختی و گرایشی، قابلیت‌ها و باورها، شخصیت و ویژه‌ای را در آن‌ها به وجود می‌آورد که حاصل این باورها و قابلیت‌ها، رفتارها و کنش‌هایی است که مناسب توسعه است. به عبارتی، حاصل فرایند توسعه فرهنگی کنار گذاشتن خرده‌فرهنگ‌های نامناسب توسعه‌ای است (ازکیا و غفاری، 1384: 48). به دیگر سخن، توسعه فرهنگی فرایندی کیفی و ارزشی است که برای ارزیابی آن از نشانگرهای کمی در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی برای دستیابی به اهداف توسعه در قالب کالاها و خدمات استفاده می‌شود و در این میان آنچه اهمیت دارد، برنامه‌ریزی در مورد ماهیت و محتوای فعالیت‌ها و خدمات فرهنگی است که به‌طور عموم از طریق ابزارهای فرهنگی حاصل می‌شود (جوادی، 1384: 11-13).

توسعه فرهنگی یکی از مهم‌ترین وجوه توسعه پایدار است که با اینکه تحت تأثیر رکن اجتماعی توسعه پایدار قرار گرفته، نباید از اهمیت بنیانی آن غافل شد. فرهنگ همچون چتری بر سر تمام نهاد‌های اجتماعی (حکومت، اقتصاد، دین، علم، خانواده و آموزش) در زندگی روزمره آثار خود را برجای می‌گذارد (مرکز ملی آمایش سرزمین، 1385: 72).



شکل 1 موقعیت سیاسی شهرستان‌های استان یزد در استان و کشور

3- روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر ماهیت، کاربردی و به‌لحاظ روش، توصیفی - کمی و تحلیلی است. از آنجا که جامعه آماری این پژوهش را شهرستان‌های یازده‌گانه استان یزد تشکیل می‌دهد، اطلاعات مورد نیاز براساس آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال 1390 از استانداری این استان و اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی آن گردآوری شده است. در پژوهش حاضر، جمع‌آوری مبانی نظری به‌روش قیاسی و تعمیم نتایج به‌صورت استقرایی بوده است. به‌منظور سنجش و سطح‌بندی شهرستان‌های



استان یزد، 21 شاخص از مؤلفه‌های توسعه فرهنگی از طریق مرور پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه برگزیده و با استفاده از روش دلفی ارزش‌دهی شد. به همین منظور، پرسش‌نامه‌ای درباره اهمیت و میزان وزن شاخص‌های تحقیق تدوین و برای 20 نفر از کارشناسان برنامه‌ریزی شهری ارسال شد. از 20 پرسش‌نامه ارسالی، 14 پرسش‌نامه را متخصصان تکمیل کردند که میانگین وزن‌های به دست آمده از این 14 پرسش‌نامه به عنوان وزن‌های مورد نیاز جهت انجام مدل تحقیق به کار رفت. در نهایت، به منظور سطح‌بندی شهرستان‌ها از روش چندمعیاره ارسنه استفاده شد.

3-1- منطقه مورد مطالعه

استان یزد با مساحت حدود 131575 کیلومترمربع در قسمت مرکزی فلات ایران در مختصات 29 درجه و 35 دقیقه تا 35 درجه و 7 دقیقه عرض شمالی و 52 درجه و 50 دقیقه تا 58 درجه و 16 دقیقه طول شرقی واقع شده است. این استان طبق آخرین تقسیمات کشوری در سال 1390، دارای 11 شهرستان، 24 شهر، 22 بخش و 51 دهستان است. استان یزد از نظر پستی و بلندی، دارای تنوع بوده و ارتفاع نقاط مختلف آن متفاوت است و از حدود 660 متر از سطح دریای آزاد (در اطراف کویر ریگ‌زیرین) تا 4055 متر (شیرکوه) تغییر می‌کند. استان یزد براساس آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن 1390، دارای 1,074,428 نفر جمعیت بوده است.

3-2- گویه‌های مورد استفاده در تحقیق

یونسکو در گزارش جهانی فرهنگ در سال 1998 و 2002م شاخص‌های فرهنگی کشورهای مختلف جهان را همراه با داده‌های مربوط به آن‌ها عرضه کرده است. در این گزارش، 125 شاخص فرهنگی معرفی شده که طبقات اصلی این شاخص‌ها به شرح زیر است:

1. فعالیت‌های فرهنگی شامل روزنامه، کتاب، کتابخانه، موسیقی، بایگانی، موزه‌ها، رادیو، تلویزیون، سینما، هنرهای نمایشی، تعطیلات عمومی، محوطه‌های میراث جهانی، تجارت کالای فرهنگی، جهانگردی بین‌المللی، ارتباطات و فناوری جدید؛
2. گرایش‌های فرهنگی شامل کتاب، روزنامه و اوراق چاپی، رادیو و تلویزیون، سینما، ارتباطات و سفر، مبادلات فرهنگی، پذیرش کنوانسیون‌های فرهنگی، کنوانسیون‌های حقوق

بشر، ترجمه و انتشار کتاب به زبان‌های خارجی، ترجمه از زبان اصلی و کنوانسیون‌های میراث فرهنگی (فاضل‌نیا، توکلی و تاجبخش، 1389: 1559).

در این پژوهش، به‌منظور عملیاتی کردن متغیر تحقیق، 21 گویه از مؤلفه‌های توسعه فرهنگی انتخاب شده که در جدول یک آمده است.

جدول 1 گویه‌های مورد استفاده در تحقیق

ردیف	گویه‌ها	ردیف	گویه‌ها
1	درصد باسوادی مردان	12	نسبت بازدیدکنندگان از نمایشگاه‌های فرهنگی به جمعیت شهرستان
2	درصد باسوادی زنان	13	سرانه فضای سالن‌های فرهنگی و هنری به 10000 نفر
3	تعداد کتابخانه و سالن مطالعه به 10000 نفر جمعیت	14	نسبت نمایشگاه‌های کتاب به 10000 نفر
4	نسبت کتاب به جمعیت شهرستان	15	نسبت بازدیدکنندگان از نمایشگاه‌های کتاب به جمعیت شهرستان
5	نسبت اعضای کتابخانه به جمعیت شهرستان	16	نسبت مکان‌های مذهبی به‌ازای 10000 نفر جمعیت
6	نسبت اعضای کانون پرورش فکری به جمعیت شهرستان	17	نسبت سینما به‌ازای هر 10000 نفر جمعیت
7	نسبت مراجعان به کتابخانه‌ها به جمعیت کل شهرستان	18	نسبت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به 10000 نفر
8	نسبت مراجعان به کانون‌های پرورش فکری به جمعیت کل شهرستان	19	نسبت کارکنان آموزشی، دفتری و اداری به‌ازای جمعیت شهرستان
9	نسبت چاپخانه به‌ازای هر 10000 نفر	20	نسبت آموزشیاران به‌ازای 10000 نفر جمعیت
10	نسبت نمایشگاه‌های فرهنگی و هنری به 10000 نفر	21	نسبت شرکت کنندگان در مسابقات ورزشی به جمعیت کل شهرستان
11	نسبت برنامه‌ریزی‌های نمایشی (تئاتر و موسیقی) اجراشده به 10000 نفر		

(منابع: محمدی، شاهپوندی و سلطانی، 1390؛ محمدی و ایزدی، 1390 و 1392؛ سرخ‌کمال، بیراوندزاده و زنجیرچی، 1390؛ مشکینی و قاسمی، 1391؛ ضرابی، ایزدی و ابوالحسنی، 1391؛ شاطری، فال‌سلیمان و حجی‌پور، 1390)

3-3- روش ORESTE

اگر در مسئله تصمیم‌گیری چندشاخصه، هدف، رتبه‌بندی m گزینه براساس k شاخص باشد و برای هر یک از شاخص‌ها یک ترتیب ضعیف¹ روی مجموعه گزینه‌ها تعریف و اهمیت نسبی

1. weak order



(وزن) هر شاخص نیز با یک ترتیب ضعیف دیگر بیان شود، مبانی اولیه یکی از روش‌های برتری داشتن¹ MADM به نام ORESTE پی‌ریزی می‌شود. این روش ابزاری را فراهم می‌کند که قادر است در نهایت، گزینه‌های تصمیم را به‌طور کامل رتبه‌بندی کند و تعارضات میان آن‌ها را نشان دهد (Pastijn & Leysen, 1989: 1255).

در سال 1979م در همایشی که دربارهٔ مباحث تصمیم‌گیری‌های چندشاخصه برگزار شد، پروفیسور مارک روبنز²، استاد دانشگاه پلی‌تکنیک بلژیک، نخستین ایدهٔ خود را در زمینهٔ روش جدید تصمیم‌گیری چندشاخصه به نام ORESTE یا روش رتبه‌بندی جمعی برای مقایسهٔ ارزیابی‌های ترتیبی گزینه‌ها براساس شاخص‌ها مطرح کرد و کوشید با کمک ORESTE، از الزام عملی موجود در روش ELECTRE برای تعیین وزن شاخص‌ها بپرهیزد. پروفیسور روبنز پس از اولین ارائه‌اش در این همایش، ORESTE را در دو مقالهٔ دیگر تشریح کرد؛ در سال 1980م در اولین مقاله که به‌طور محدود منتشر شد، به‌طور خلاصه، الگوریتم این روش را معرفی کرد؛ در سال 1982م در مقالهٔ دیگری که در مجلهٔ معتبر اروپایی تحقیق در عملیات به چاپ رساند، به‌طور کامل روش ORESTE را توضیح داد و در مطالعه‌ای موردی، مسئلهٔ واقعی در زمینهٔ انتخاب سیستم کامپیوتری را از طریق این روش حل کرد. پروفیسور روبنز در این مقاله و در معرفی روش ابداعی خود چنین می‌گوید: A یک مجموعهٔ محدود از گزینه‌های ممکن است که باید توسط تعدادی شاخص ارزیابی شود.

روش ORESTE برای انجام رتبه‌بندی سه مرحلهٔ اساسی بدین شرح دارد:

3-3-1- مرحله برآورد³ فواصل گزینه‌ها $d(0, m_k)$

برآورد کردن در روش ORESTE بر کاربرد ماتریسی فرضی با نام ماتریس موقعیت⁴ استوار است که در هر ستون آن، گزینه‌های تصمیم از بهترین به بدترین با ملاحظهٔ هر یک از شاخص‌ها مرتب می‌شوند که ستون‌ها نیز خود بر مبنای رتبهٔ شاخص‌ها ترتیب داده می‌شوند. با تصویر کردن اعضای ماتریس حاصل بر قطر اصلی آن، موقعیت‌های بهتر در سمت چپ قطر

1. outranking

2. Marc Roubens

3. projection

4. position-matrix

اصلی و موقعیت‌های بدتر در سمت راست آن تصویر می‌شوند. سپس یک مبدأ صفر در منتهی‌الیه سمت چپ قطر اصلی و تمام تصاویر ایجاد شده در نظر گرفته و فواصل این تصاویر از مبدأ صفر که با $d(0, m_k)$ نشان داده شد، تعیین می‌شود؛ به طوری که این رابطه‌ها را داریم (محامدپور، 1385؛ نصرالهی، 1385؛ Roubens, 1982: 51):

$$\text{رابطه 1} \quad \text{if } aP_k b \quad \text{then} \quad d(0, a_k) < d(0, b_k)$$

$$\text{رابطه 2} \quad \text{if } r_1(a) = r_2(b) \quad \text{and } 1P2 \quad \text{then} \quad d(0, a_1) < d(0, b_2)$$

عمل برآورد فواصل $d(0, m_k)$ که مفهوم آن پیش‌تر بیان شد، برای حالت‌های مختلفی انجام می‌شود که عبارت‌اند از:

الف. برآورد خطی مستقیم

در این حالت به منظور برآورد فاصله $d(0, m_k)$ از r_k و $r_k(m)$ برای گزینه m در شاخص k از رابطه 3 پیروی می‌کنیم:

$$\text{رابطه 3} \quad d(0, m_k) = \frac{1}{2} [r_k + r_k(m)]$$

ب. برآورد خطی غیرمستقیم
در حالت تصویر کردن غیرخطی، جهت تعیین فاصله تصاویر از مبدأ مورد نظر از رابطه زیر استفاده می‌شود:

$$\text{رابطه 4} \quad d(0, m_k) = ar_k + (1 - a)r_k(m)$$

ج. رابطه غیرخطی

در حالت تصویر کردن غیرخطی، جهت تعیین فاصله تصاویر از مبدأ مورد نظر رابطه زیر به کار می‌رود:

$$d(0, m_k) = \sqrt[2]{(r_k^2 + r_k(m)^2)} \quad \text{رابطه 5}$$

برای دستیابی به شرایط عمومی‌تر، رابطه 6 به شکل زیر تغییر می‌یابد:

$$d(0, m_k) = \sqrt[R]{(r_k^R + r_k(m)^R)} \quad \text{رابطه 6}$$

در نهایت، اگر اوزان نرمال شده α و $(1-\alpha)$ به آن اضافه شود، رابطه 7 حاصل می‌شود:

$$d(0, m_k) = \sqrt[R]{(a.r_k^R + (1-a).r_k(m)^R)} \quad \text{رابطه 7}$$

با توجه به برخی مقادیر R ، فاصله d به صورت زیر تعریف می‌شود (Isabelle & Pastijn, 2002: 333):

$$R = 1 \rightarrow d \quad \text{میانگین هندسی:}$$

$$R = -1 \rightarrow d \quad \text{میانگین حسابی موزون:}$$

$$R = 2 \rightarrow d \quad \text{میانگین مربعات:}$$

$$R = -\infty \rightarrow d : \min(r_k, r_k(m))$$

$$R = +\infty \rightarrow d : \max(r_k, r_k(m))$$

3-3-2- مرحله رتبه‌بندی کلی¹ فواصل گزینه‌ها $R(m_k)$

با تعیین فاصله تصاویر تک تک اعضای ماتریس موقعیت از مبدأ از طریق یکی از حالت‌های پیش گفته، رتبه‌بندی کلی فواصل انجام می‌شود. به طور کلی، انتخاب هر یک از حالت‌های فوق یا مقادیر مختلف R برای تصویر و تعیین کردن فواصل $d(0, m_k)$ فقط با هدف اثرگذاری بر موقعیت آن‌ها نسبت به هم بوده که در ادامه، فواصل باکمک روش میانگین رتبه‌های بس‌سون رتبه‌بندی می‌شود و بدین ترتیب، مسئله به ماهیت ترتیبی آن بازگشت داده می‌شود.

نتیجه این رتبه‌بندی برابر با اختصاص رتبه به دست‌آمده از روش بس‌سون به فواصل $d(0, m_k)$ به صورت $R(m_k)$ است؛ به گونه‌ای که مثلاً داریم:

1. global ranking

$$R(a_1) \leq R(a_2) \quad \text{if} \quad d(0, a_1) \leq d(0, b_2) \quad \text{رابطه 8}$$

رتبه‌های به‌دست‌آمده رتبه‌های کلی نامیده می‌شوند و همگی در محدوده زیر قرار می‌گیرند:

$$1 \leq R(m_k) \leq m.k \quad \text{رابطه 9}$$

3-3-3- مرحله تجمیع¹

پس از محاسبه و تعیین همه رتبه‌های کلی، رتبه‌های کلی در هر کدام از شاخص‌ها برای تمام گزینه‌ها به‌طور جداگانه جمع می‌شوند؛ یعنی برای هر گزینه مانند m تجمیع نهایی محاسبه می‌شود (رابطه 11):

$$R(m) = \sum_{k=1}^k r(m_k) \quad \text{رابطه 10}$$

بدین ترتیب، ساختار ترتیبی افزایشی براساس $R(m)$ و با در نظر گرفتن روابط زیر تعریف می‌شود:

$$\text{if } R(a) < R(b) \quad \text{then} \quad a P b$$

$$\text{if } R(a) < R(b) \quad \text{then} \quad a I b$$

گزینه‌ای که $R(m)$ مربوط به آن کوچک‌تر است، مناسب‌تر بوده و رتبه بهتری به آن اختصاص داده می‌شود؛ یعنی گزینه‌ای برتر است که جمع رتبه‌های مطلق آن در همه شاخص‌ها از سایر گزینه‌ها کمتر باشد (Roubens, 1982: 53; Zak, 2005; Geldermann & Rentz, 2000).

4- یافته‌های تحقیق

4-1- وزن‌دهی و تشکیل ماتریس رتبه‌بندی اولیه با روش میانگین رتبه‌های بس‌سون برای وزن‌دهی مؤلفه‌ها از روش دلفی استفاده شده است. بدین منظور، 17 متخصص در زمینه برنامه‌ریزی شهری انتخاب و سپس 21 مؤلفه توسعه فرهنگی توسط این متخصصان وزن‌دهی

1. aggregation



شد. همچنین، برای به دست آوردن رتبه‌بندی اولیه شاخص‌ها (F_k)، به ساختار ترجیحی (ماتریس وزن‌دهی) مراجعه و به شاخص سه با بیشترین ترجیح، رتبه یک داده شد و به همین ترتیب، به شاخص‌هایی با ترجیح پایین‌تر، رتبه‌های بعدی اختصاص یافت. در مورد شاخص‌هایی که ترجیح یکسان دارند، رتبه اختصاص یافته با روش بس سون یکسان شد (جدول 2).

جدول 2 ماتریس رتبه‌بندی اولیه با روش میانگین رتبه‌های بس سون

گروه‌ها	بازدید	ارزادگان	بافت	نظارت	زبان	تعمیرات	تعمیرات	تعمیرات	تعمیرات	تعمیرات	تعمیرات	تعمیرات	تعمیرات	تعمیرات	تعمیرات	تعمیرات	تعمیرات	تعمیرات	تعمیرات
تعداد کتابخانه و سالن مطالعه	6	8	10	2	5	4	3	9	1	7	11	0,225							
نسبت کتاب به جمعیت شهرستان	8	5	7	1	4	10	2	9	3	6	11	0,172							
نسبت مراجعان به کتابخانه‌ها	2	6	9	11	4	3	7	10	8	1	5	0,135							
نسبت اعضای کتابخانه	7	5	8	10	1	4	9	11	2	3	6	0,105							
نسبت نمایشگاه‌های کتاب	10	7	9	11	4	5	6	2	3	8	1	0,082							
نسبت بازدیدکنندگان از نمایشگاه‌های کتاب	2	5	3	6	8	4	9	10	1	7	11	0,064							
نسبت کانون پرورش فکری کودکان	4	7	8	2	9	6	5	3	10	1	11	0,05							
نسبت اعضای کانون پرورش فکری	7	3	6	9	2	5	11	8	4	10	1	0,039							
نسبت مراجعان به کانون‌های پرورش فکری	3	4	6	2	8	10	1	7	5	11	9	0,03							
نسبت نمایشگاه‌های فرهنگی - هنری	6	3	1	10,5	5	10,5	2	7	4	8	9	0,023							
نسبت برنامه‌ریزی‌های نمایشی	3	2	9	8	10,5	6	5	10,5	7	4	1	0,018							
نسبت بازدیدکنندگان از نمایشگاه‌های فرهنگی	7	5	3	2	10,5	4	8	10,5	1	6	9	0,014							
سرانه فضای سالن‌های فرهنگی هنری	4	8	9	10,5	5	10,5	7	2	4	1	3	0,01							
نسبت چاپخانه	6	2	1	10,5	5	9	3	10,5	4	8	7	0,008							
نسبت کارکنان آموزشی و دفتری	3	9	2	1	5	6	10	11	8	7	11	0,006							
درصد باسوادی مردان	5	7	1	6	11	10	9	3	8	4	2	0,005							
درصد باسوادی زنان	7	5	3	8	11	6	10	1	9	4	2	0,004							
نسبت سینما	6	6	6	6	6	6	6	6	6	6	6	0,004							
نسبت مکان‌های مذهبی	5	6	8	1	11	4	9	7	10	3	2	0,003							
نسبت آموزشیاران	3	9	7	11	2	1	6	4	10	5	8	0,002							
نسبت شرکت‌کنندگان در مسابقات ورزشی	4	7	9	5	8	3	6	10	1	2	11	0,001							

(منبع: یافته‌های تحقیق، 1393)

4-2- برآورد فواصل در مجموع شاخص‌ها و رتبه‌بندی مطلق فواصل

در این بخش، از روش برآورد مستقیم خطی برای به‌دست آوردن برآورد فواصل d_{0,m_k} استفاده شد. بدین منظور، رابطه 2 به‌کار گرفته شد که در آن میانگین حسابی میان رتبه شاخص‌ها r_k و رتبه گزینه‌ها در هر شاخص (m) محاسبه شد و نتیجه به‌عنوان مقدار فاصله از نقطه مبدأ برای هر یک از گزینه‌ها نسبت به هر یک از شاخص‌ها نشان داده شد. نتایج برآورد فواصل گزینه‌ها در جدول شماره سه آورده شده است. همچنین، در این بخش رتبه‌بندی مطلق فواصل حاصل از برآورد مستقیم خطی فواصل از رابطه 8 به‌دست می‌آید. نتایج در جدول سه مشاهده می‌شود.

جدول 3 برآورد مستقیم خطی فاصله (ماتریس D)

گویه‌ها	1	2	3	4	5	6	7	8	9	10	11	12	13	14	15	16	17
درصد باسواد مردان	4.77	6.35	7.94	1.65	3.97	3.19	2.41	7.14	1	5.56	8.73						
درصد باسواد زنان	6.38	4.05	5.59	1.65	3.3	7.95	2	7.16	2.59	4.82	8.74						
تعداد کتابخانه و سالن مطالعه	2.59	4.95	7.23	8.78	3.57	3	5.69	8	6.45	2.41	4.23						
نسبت کتاب به جمعیت شهرستان	5.88	4.55	6.6	8.1	3.19	4	7.34	8.86	5.19	3.57	3.3						
نسبت اعضای کتابخانه	8.25	6.16	7.53	8.99	4.55	5	5.54	4.05	4.23	6.82	3.97						
نسبت اعضای کانون پرورش فکری	4.82	5.54	4.95	4.77	7.14	5.19	7.78	8.47	6	6.53	9.18						
نسبت مراجعان به کتابخانه‌ها	5.88	7	7.53	5.56	8.12	6.53	6.16	5.69	5.59	8.75	9.42						
نسبت مراجعان به کانون‌های پرورش فکری	7.53	6.45	7.14	8.52	6.38	6.82	9.73	8	9.11	6.35	6.6						
نسبت چاپخانه	7.23	7.34	7.78	7.16	8.52	9.52	7.14	8.12	7.53	10	9						
نسبت نمایشگاه‌های فرهنگی - هنری	8.47	8	7.94	10.2	8.25	10.2	7.95	8.75	8.1	9.11	9.52						
نسبت برنامه‌ریزی‌های نمایشی	8.78	8.74	10	9.73	10.7	9.18	8.99	10.7	9.42	8.8	8.7						
نسبت بازدیدکنندگان از نمایشگاه‌های فرهنگی	10.1	9.74	9.57	9.53	11.3	9.64	10.3	11.3	9.52	9.9	10.7						
سرانه فضای سالن‌های فرهنگی هنری	10.4	11	11.3	11.8	10.5	11.8	10.8	10.3	10.6	10.3	10.3						
نسبت نمایشگاه‌های کتاب	11.3	11.1	11.1	12.4	11.2	12	12.4	11.1	11.1	11.7	11.5						
نسبت بازدیدکنندگان از نمایشگاه‌های کتاب	11.9	12.7	11.9	11.9	12	12.1	12.9	11.9	11.9	12.4	13.3						
نسبت مکان‌های مذهبی	12.8	12.7	12.9	13.4	13.6	13	12.7	12.7	13.2	12.7	13.9						
نسبت سینما	13.5	14.1	13.5	13.5	14.3	13.6	13.9	13.4	13.8	13.6	14.6						
نسبت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان	14.5	14.5	14.5	14.5	14.5	14.5	14.5	14.5	14.5	14.5	14.2						
نسبت کارکنان آموزشی	15.1	15.2	15.4	15	15.9	15.1	15.5	15.3	15.7	15.1	15						
نسبت آموزشیاران	15.8	16.3	16	16.7	15.8	15.8	16	16.2	15.9	16.5	16.5						
نسبت شرکت‌کنندگان در مسابقات ورزشی	16.7	16.8	17	16.7	16.9	16.6	16.7	17.2	16.6	17.4	17.4						



جدول 4 رتبه‌بندی کلی فواصل گزینه‌ها (ماتریس R)

گروه	ارکان	رتبه	نهاد	رتبه	مدون	رتبه	رتبه	رتبه	رتبه	رتبه	رتبه	گروه‌ها
25/5	47/5	76/5	2/5	16/5	10/5	5/5	62/5	1	36/5	93/5	درصد پاسوادی مردان	
49/5	19/5	38/5	2/5	12/5	78/5	4	64/5	7/5	27/5	95/5	درصد پاسوادی زنان	
7/5	29/5	66/5	99/5	14/5	9	40/5	81/5	51/5	5/5	21/5	تعداد کتابخانه و سالن مطالعه	
42/5	23/5	55/5	83/5	10/5	18	68/5	101	32/5	14/5	12/5	نسبت کتاب به جمعیت شهرستان	
87/5	45/5	70/5	103	23/5	31	34/5	19/5	21/5	57/5	16/5	نسبت اعضای کتابخانه	
27/5	34/5	29/5	25/5	60/5	32/5	74/5	89/5	44	53/5	10/8	نسبت اعضای کانون پرورش فکری	
42/5	59	75/5	36/5	85/5	53/5	45/5	40/5	38/5	97/5	110	نسبت مراجعان به کتابخانه‌ها	
72/5	51/5	60/5	91/5	49/5	57/5	118	80	106	47	55/5	نسبت مراجعان به کانون‌های پرورش فکری	
66/5	68/5	74/5	64/5	91/5	113	62/5	85/5	70/5	122	105	نسبت چاپخانه	
89/5	81/5	76/5	125	87/5	125	78/5	97/5	83/5	106	113	نسبت نمایشگاه‌های فرهنگی - هنری	
99/5	95/5	122	118	135	108	103	135	110	101	93	نسبت برنامه‌ریزی‌های نمایشی	
124	120	116	115	144	117	130	144	113	121	134	نسبت بازدیدکنندگان از نمایشگاه‌های فرهنگی	
131	138	146	150	132	150	137	128	133	129	127	سرانه فضای سالن‌های فرهنگی هنری	
147	140	139	161	143	156	161	141	142	149	148	نسبت نمایشگاه‌های کتاب	
154	164	153	152	157	158	170	155	159	160	173	نسبت بازدیدکنندگان از نمایشگاه‌های کتاب	
168	163	169	174	180	171	164	167	172	166	184	نسبت مکان‌های مذهبی	
178	185	176	177	187	181	183	175	182	179	198	نسبت سینما	
192	192	192	192	192	192	192	192	192	192	186	نسبت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان	
203	204	206	199	214	202	207	205	208	201	200	نسبت کارکنان آموزشی	
211	218	216	224	210	209	215	212	217	213	219	نسبت آموزشیاران	
223	227	229	225	228	222	226	230	220	221	231	نسبت شرکت کنندگان در مسابقات ورزشی	

3-4- مرحلهٔ تجمیع و رتبه‌بندی نهایی

پس از محاسبه و تعیین همهٔ رتبه‌های کلی، رتبه‌های کلی در هر کدام از شاخص‌ها برای تمام گزینه‌ها به‌طور جداگانه جمع شد. یادآوری می‌شود که گزینه‌ای که $R(m)$ مربوط به آن کوچک‌تر است، مناسب‌تر بوده و رتبهٔ بهتری بدان اختصاص داده می‌شود؛ یعنی گزینه‌ای برتر است که جمع رتبه‌های مطلق آن در همهٔ شاخص‌ها از سایر گزینه‌ها کمتر باشد (جدول 5 و 6).

جدول 5 درجه برتری شهرستان‌ها بر یکدیگر

گوپه‌ها	رتبه	اردکان	رتبه	تهاباد	رتبه	یزد	رتبه	صندوق	رتبه	میر	رتبه	باز
ابرکوه	0	0.024	0.049	0.063	0.047	0.04	0.049	0.079	0.031	0.04	0.095	
اردکان	0.032	0	0.049	0.078	0.041	0.046	0.048	0.086	0.029	0.04	0.088	
بافق	0.016	0.009	0	0.049	0.034	0.034	0.041	0.056	0.02	0.034	0.079	
بهباد	0.022	0.029	0.04	0	0.05	0.039	0.031	0.066	0.015	0.051	0.104	
تفت	0.039	0.025	0.059	0.084	0	0.041	0.05	0.075	0.029	0.033	0.076	
خاتم	0.028	0.026	0.058	0.068	0.036	0	0.054	0.081	0.031	0.031	0.074	
صندوق	0.031	0.022	0.055	0.054	0.039	0.048	0	0.068	0.01	0.05	0.092	
طیس	0.019	0.018	0.028	0.047	0.022	0.033	0.026	0	0.013	0.036	0.059	
مهریز	0.039	0.03	0.061	0.065	0.044	0.051	0.037	0.082	0	0.057	0.105	
میبد	0.027	0.018	0.054	0.078	0.027	0.03	0.054	0.083	0.035	0	0.069	
یزد	0.031	0.016	0.047	0.081	0.019	0.022	0.046	0.055	0.033	0.018	0	

(منبع: یافته‌های تحقیق، 1393)

جدول 6 رتبه‌بندی نهایی شهرستان‌ها

شهرستان	رتبه	شهرستان	رتبه	شهرستان	رتبه	شهرستان	رتبه
ابرکوه	3	بهباد	9	صندوق	7	میبد	6
اردکان	2	تفت	4	طیس	10	یزد	11
بافق	8	خاتم	5	مهریز	1		

(منبع: یافته‌های تحقیق، 1393)

نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد شهرستان مهریز از نظر مؤلفه‌های تعداد کتابخانه و سالن مطالعه به 10000 نفر جمعیت، نسبت بازدیدکنندگان از نمایشگاه‌های کتاب، نسبت شرکت‌کنندگان در مسابقات ورزشی، نسبت بازدیدکنندگان از نمایشگاه‌های کتاب و نسبت کانون پرورش فکری کودکان بهتر از شهرستان‌های دیگر است و از لحاظ مؤلفه‌های نسبت کتاب به جمعیت شهرستان و نسبت نمایشگاه‌های کتاب در رتبه سوم بعد از شهرستان‌های بهاباد، صندوق و یزد قرار گرفته است.



به‌طور کلی، برتری شهرستان مهریز از نظر مؤلفه‌های مورد مطالعه بیشتر از شهرستان‌های دیگر بوده است. بنابراین می‌توان گفت در سطح‌بندی توسعه فرهنگی دو عامل بر رتبه‌بندی اثر گذاشته‌اند:

1. ارزش‌دهی گویه توسط جامعه متخصص پژوهش؛ 2. تعداد برخی گویه‌ها همچون کتابخانه‌ها، سالن‌های فرهنگی، کتاب‌ها و غیره؛ زیرا به‌منظور سنجش توسعه‌یافتگی شهرستان‌ها، تعداد هر متغیر نسبت به جمعیت شهرستان سنجیده شده؛ از این‌رو، مسلم است شهرستان‌هایی که سرانه فضایی بیشتری داشته‌اند، در رتبه‌های بالاتری قرار گرفته‌اند.

با توجه به نتایج این تحقیق پیشنهادهای زیر به‌منظور بهبود توسعه فرهنگی در استان یزد مطرح می‌شود:

1. افزایش سرانه فضایی کتابخانه‌ها و سالن‌های مطالعه از طریق افزایش کمیته کتابخانه‌ها و سالن‌ها در شهرستان‌های یزد، طبس، بهاباد و ... به دلیل نقش پررنگ آن در توسعه فرهنگی؛
2. افزایش برگزاری نمایشگاه‌های کتاب و نمایشگاه‌های فرهنگی در سطح شهرستان‌های یزد، طبس، تفت، خاتم و ...؛
3. افزایش سرانه کتاب در شهرستان‌های استان از طریق زیاد کردن تعداد کتاب‌ها در کتابخانه‌های عمومی و دانشگاهی؛ زیرا از نظر جامعه متخصص این پژوهش، یکی از مؤلفه‌های مؤثر بر توسعه فرهنگی است؛
4. فراخوان سرمایه‌گذاران و افراد نیکوکار داخلی و استقبال از آن‌ها به‌منظور همکاری با نهادهای دولتی در زمینه گسترش زیرساخت‌های فرهنگی؛
5. ایجاد فرهنگ‌سراها در شهرستان‌های بهاباد، بافق، خاتم و صدوق در جهت تقویت فرهنگ عمومی؛
6. افزایش سرانه فضایی کانون‌های پرورش فکری در سطح شهرستان‌های محروم استان.

5- نتیجه

توسعه فرایندی است پیچیده که طی آن جامعه از یک دوره تاریخی به دوره جدیدی منتقل می‌شود. این فرایند در هر مرحله از رشد خود، ابعاد مختلف زندگی را دگرگون می‌کند. فرهنگ یکی از مؤلفه‌های مهم و اساسی در توسعه هر کشوری است و بی‌گمان باید بپذیریم که توسعه

فرهنگی اولین عامل اثرگذار بر دیگر زمینه‌های اجتماعی است. به‌طور کلی، دغدغه اصلی دولت‌ها رسیدن به توسعه همه‌جانبه است و مبنای این توسعه، انسان (موجودی فرهنگی) است. زیربنای توسعه حقیقی و پایدار، توسعه فرهنگی است که مستلزم کوشش فراوان برای ارتقای سطح فرهنگ است. از دیگر سو، توسعه متعادل و متوازن فضاهای جغرافیایی نیازمند بررسی دقیق و همه‌جانبه مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، و شناخت بهتر نیازهای جامعه و بهبود آن‌هاست. برای تعدیل در پراکنش شاخص‌های توسعه، برنامه‌ریزی جامع توسعه‌پذیری مناطق با هدف ارائه الگوی مناسب برای توزیع متعادل خدمات، جمعیت و سکونتگاه‌ها (تعادل فضایی) ضرورت می‌یابد. در فرایند برنامه‌ریزی توسعه، شناخت و تبیین سطوح توسعه‌یافتگی نواحی و آگاهی از قوت‌ها و ضعف‌های آن‌ها اهمیت بسیاری دارد؛ زیرا دستیابی به الگوواره توسعه پایدار نیازمند تعادل در توزیع شاخص‌های خدماتی، اقتصادی، فرهنگی، برنامه‌ریزی و... است. از این رو، تعادل فضایی در توزیع مراکز خدماتی در سطح ملی، منطقه‌ای و محلی و دستیابی به آن مقدمات توسعه پایدار را فراهم می‌آورد و نابسامانی در توزیع منطقه‌ای و محلی باعث دوری مناطق از عدالت اجتماعی می‌شود. بررسی شاخص‌های عمده اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، بهداشتی و... در سطوح مختلف، نه تنها معیاری مناسب در جهت تعیین جایگاه نواحی است؛ بلکه راهبردی به‌منظور برنامه‌ریزی و خدمات‌رسانی بهینه نیز است. برای بررسی این فرضیه، به‌منظور تعیین سنجش توسعه فرهنگی شهرستان‌های استان یزد، از طریق مطالعه اسنادی، متغیرهای مورد نظر انتخاب شد و تبدیل آن‌ها به شاخص‌های مورد نظر از طریق سرانه‌سازی و نسبت‌های مختلف صورت پذیرفت. به همین منظور، شهرستان‌های یازده‌گانه استان یزد توسط 21 شاخص انتخابی از طریق مدل تصمیم‌گیری چندمعیاره ORESTE رتبه‌بندی شدند. نتایج نشان می‌دهد شهرستان‌های استان یزد سطح متفاوتی از میزان برخورداری را از نظر شاخص‌های مذکور دارند و امکانات فرهنگی هماهنگ در آن‌ها دیده نمی‌شود. به عبارت دیگر، براساس نتایج، پراکنش فضایی خدمات فرهنگی در سطح استان یزد از متغیرهایی همچون میزان جمعیت، تراکم‌های اداری - سیاسی، وسعت و الگوهای همچون الگوی مرکز - پیرامون (استقرار بیشتر امکانات فرهنگی در مناطق مرکزی و محروم ماندن مناطق پیرامون) پیروی نمی‌کند؛ به‌گونه‌ای که قرار گرفتن شهرستان یزد در رتبه نهایی از سطح‌بندی با بیشترین جمعیت و تراکم اداری - سیاسی و واقع شدن به‌عنوان مرکزیت شهری استان یزد روشن‌کننده این امر است. براساس یافته‌های



تحقیق، شهرستان‌های مهریز، اردکان و ابرکوه به ترتیب در بالاترین سطح از توسعه‌یافتگی فرهنگی و شهرستان‌های طبس و یزد در پایین‌ترین سطح از توسعه‌یافتگی قرار دارند.

6- منابع

- احمدی، حسن، روش برنامه‌ریزی در بخش فرهنگ، تهران: سازمان برنامه‌ریزی و بودجه، 1370.
- اردلان، فریدون، «توسعه فرهنگی از دیدگاه یونسکو» در همایش توسعه فرهنگی (مجموعه مقالات)، 1381.
- ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری، جامعه‌شناسی توسعه، چ 5، تهران: کیهان، 1384.
- پهلوان، چنگیز، «درباره توسعه فرهنگی» در همایش توسعه فرهنگی (مجموعه مقالات)، 1381.
- _____ فرهنگ‌شناسی، تهران: قطره، 1382.
- تقوایی، مسعود و اصغر نوروزی آورگانی، «تحلیلی بر نحوه توزیع فضایی امکانات و خدمات روستایی و سطح‌بندی دهستان‌های چهارمحال بختیاری»، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، ج 24، ش 3، 1386.
- تقوایی، مسعود و صفر قائدرحمتی، «تحلیل شاخص‌های توسعه فرهنگی استان‌های کشور»، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، ش 7، صص 132-117، 1385.
- جوادی، نسرین، «توسعه فرهنگی استان‌ها، تنگناها و راهکارها»، نشریه ایران، ش 141، 1384.
- خسروپناه، علی، جریان‌شناسی در فرهنگ‌ها، چ 5، قم: انتشارات تعلیم و تربیت اسلامی، 1390.
- دیاکیت، سیدیکی، «توسعه فقط مسئله فن‌سالاران نیست»، ترجمه احمد محقق، مجموعه کتاب توسعه، ش 3، 1373.
- رضایی، حجت، واکاوی و تبیین اثرات خشکسالی بر اقتصاد و ناپایداری جمعیتی، مورد مطالعه: شهرستان ابرکوه، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه زنجان، 1391.

- زنگی آبادی، علی، تحلیل و سازمان‌دهی ساختار فضایی شاخص‌های توسعه شهری در شهرهای بالای صد هزار نفر، رساله دکتری، دانشگاه اصفهان، 1378.
- سبحانی‌نژاد، مهدی و کاظم منافی شرف‌آباد، جامعه‌شناسی آموزش پرورش (مبانی، رویکردها و سیر جامع نظریه‌ها و حوزه‌های شاخص)، تهران: یسپرون، 1390.
- ستاری، جلال، درباره فرهنگ، تهران: وزارت فرهنگ و هنر، اداره کل نگارش، 1354.
- سرخ‌کمال، کبری، مریم بیرانوندزاده و محمود زنجیرچی، «سطح‌بندی شهرستان‌های استان خراسان رضوی از لحاظ مؤلفه‌های توسعه‌یافتگی فرهنگی»، مجله علمی- پژوهشی برنامه‌ریزی فضایی، س 1، ش 2، صص 95-108، 1390.
- شاطری، مفید، محمود فال‌سلیمان و محمد حجی‌پور، «تحلیل توانمندی‌ها و چالش‌های توسعه فرهنگی استان خراسان جنوبی با بهره‌گیری از مدل سوات»، فصلنامه مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان، س 5، ش 4، صص 64-79، 1390.
- شریف‌زاده، فتاح و مهدی کاظمی، مدیریت و فرهنگ سازمانی، تهران: قومس، 1377.
- ضرابی، اصغر، ملیحه ایزدی و فرحناز ابوالحسنی، «تعیین میزان برخورداری مناطق شهری اصفهان از شاخص‌های فرهنگی»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، س 27، ش 3، صص 46-65، 1391.
- عظیمی، حسین، مدارهای توسعه‌نیافتگی در اقتصاد ایران، چ 5، تهران: نشر نی، 1383.
- عمادی، محمدحسین، نقش اعتبارات خرد در تسریع فرایند توسعه روستایی؛ مقایسه دو دیدگاه، همایش توسعه روستایی و کاهش فقر، تهران: بانک کشاورزی، 1384.
- فاضل‌نیا، غریب، مرتضی توکلی و کاظم تاجبخش، «ارزیابی برنامه‌ریزی‌های توسعه فرهنگی در مناطق روستایی بخش مرکزی شهرستان رستم»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، د. 3، ش 3، صص 177-149، 1389.
- فنی، زهره، شهرهای کوچک رویدادی دیگر در توسعه منطقه‌ای، تهران: وزارت کشور، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، 1383.
- فیروزآبادی، سیداحمد، سیدرسول حسینی و روح‌الله قاسمی، «مطالعه شاخص‌ها و رتبه توسعه اجتماعی در استان‌های کشور و رابطه آن با سرمایه اجتماعی»، فصلنامه پژوهش رفاه اجتماعی، س 10، ش 37، 1389.



- لانسکی، گرهارد و جین لانسکی، سیر جوامع بشری، ترجمه ناصر موفقیان، چ 2، تهران: علمی و فرهنگی، 1374.
- محامدپور، مریم، ارائه چارچوبی جهت رتبه‌بندی پژوهشکده‌های مرکز تحقیقات مخابرات ایران با دو رویکرد چندشاخصه ORESTE و MAUT، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته مدیریت صنعتی، دانشگاه تهران، تهران، 1385.
- محمدی، جمال و ملیحه ایزدی، «تحلیلی بر سطح توسعه فرهنگی شهر اصفهان با استفاده از روش تحلیل عاملی»، فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، س 14، ش 16، صص 89-104، 1392.
- _____ «رتبه‌بندی مناطق شهر اصفهان از لحاظ شاخص‌های فرهنگی براساس تصمیم‌گیری چندشاخصه»، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، س 12، ش 44، صص 175-198، 1390.
- محمدی، جمال، احمد شاهپوندی و مرضیه سلطانی، «تحلیلی بر توزیع فضایی خدمات فرهنگی و تعیین سطوح برخورداری استان‌های ایران»، فصلنامه علمی- پژوهشی انجمن جغرافیای ایران، دوره جدید، س 9، ش 29، 1390.
- مرکز ملی آمایش سرزمین، راهنمای مطالعات آمایش، تهران: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، معاونت امور اقتصادی و هماهنگی برنامه و بودجه، 1385.
- مشکینی، ابوالفضل و اکرم قاسمی، «سطح‌بندی شهرستان‌های استان زنجان براساس شاخص‌های توسعه فرهنگی با استفاده از تاپسیس»، فصلنامه علمی- پژوهشی برنامه‌ریزی منطقه‌ای، س 2، ش 7، صص 1-11، 1391.
- معین، محمد، فرهنگ فارسی، چ 4، تهران: راه رشد، 1388.
- نصرالهی، مهدی، به‌کارگیری تکنیک مناسب چندشاخصه جهت رتبه‌بندی شرکت‌ها قطعه‌ساز (با استفاده از معیارهای مدل سرآمدی EFQM)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته مدیریت صنعتی، دانشگاه تهران، تهران، 1385.
- وثوقی، منصور و علی ایمانی، «آینده توسعه روستایی و چالش‌های پایداری»، فصلنامه توسعه روستایی، د. 1، ش 2، صص 23-45، 1389.

- یونسکو، بعد فرهنگی توسعه به سوی یک رهیافت علمی، ترجمه تیمور محمودی. تهران: سازمان برنامه‌ریزی و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات، 1376.
- Ahmadi, H., *The method of planning in culture*, Tehran: Published by the organization for planning and budget, 1991. [in persian]
- Ang, S. & A.C. Inkpen, "Cultural Intelligence and offshore outsourcing success: A framework of firm- level intercultural capability", *Decision Sciences*, 39 (3), Place (?), 2008.
- Ardalan, F. "Cultural development from the viewpoint of UNESCO", *Proceedings of the cultural development conference*, 2002. [in persian]
- Azimi, h. (2004). Circuits of development in the economy of Iran. [in persian]
- Azkia, M. & G. Ghafari, *The sociology of development*, Tehran: Keyhan publication, 2005. [in persian]
- Cohen, Y.A. "The Establishment of Identity in a Social Nexus: The Special Case of Initiation Ceremonies and Their Relation to Value and Legal System", *American Anthropologist*, Vol.4 (29), pp. 529-552 , 1964.
- Diakit, S., "Development is not only the problem of experts", Translated by A. Mohaghegh, *Development collection*, 3, 1994. [in persian]
- Emadi, M. (2005). *The role of minor credits in speeding the process of rural development, comparison of two viewpoints*, The conference on rural development and reducing poverty. [in persian]
- Escobar, A., *Encountering development: the making and unmaking of the third world*, Princeton a new jersey: Princeton University press, 1995.
- Fani, Z., *Small cities, another event in regional development*, Ministry of the country. Publication of the organization of municipalities and villages of the country, 2004. [in persian]
- Fazelnia, Gh., M. Tavakoli & K. Tajbakhsh, "Evaluating the cultural development plans in rural areas of the central section of Rostam city", *Journal of geographical research*, 2010. [in persian]



- Firuzabadi, A., "Study of the indices and ranks of social development in the provinces of the country and its relation with social capital", *The journal of research on social welfare*, 2010. [in persian]
- Geldermann, J. & O. Rentz, Bridging the Gap between American and European MADM1 approaches? Proceeding of 51st meeting of the European working group multi-criteria aid for decisions, 2000.
- Hass, M., *plity and society*, New York, 1992.
- Isabelle, D.L. & H. Pastijn, "Selecting land mine detection strategies by means of outranking MCDM techniques", *European Journal of Operations Research*, 139, pp. 327-338, 2002.
- Javadi, N., "The cultural development of the provinces, problems and solutions", *Iran journal*, 141, 2005. [in persian]
- Khosrowpanah, A., *Knowing trends in cultures*, 5th Ed., Qom: Talim tarbiat eslami publications, 2011. [in persian]
- Lanski, G. & J. Lanski, *The trends in human societies*, Translated by Naser Movafaghian, 2nd Ed., *Scientific and cultural Pulication*, 1995. [in persian]
- Leung, K. & S. Ang, *Culture, Organizations and Institutions: an Integrative Review*, *Cambridge Handbook of Culture*, Organizations, and Work, New York: Cambridge University Press, 2008.
- Maohammai, J., A. Shahivandi & M. Soltani, "Investigation of the spatial distribution of cultural services and identification of the ranks of possession in the provinces of Iran", 2011. [in persian]
- Meshkini, A. & A. Ghasemi, "Ranking the cities of Zanjan province based on the indices of cultural development using topsis", *The scientific journal of regional planning*, 2012. [in persian]
- Moein, M., *Farsi dictionary*, 4th Ed., 2009. [in persian]
- Mohamedpur, M., *Offering a framework to rank the research centers of Iran telecommunications using indices of ORESTE and MAUT*, MA thesis, 2006. [in persian]
- Mohammadi, J. & M. Izadi, "An analysis of the cultural development of Esfahan using functional method", 2013. [in persian]

- _____ "Ranking the regions of Esfahan in terms of cultural indices based on multi-indices decision making", *The scientific journal of social welfare*, 2011. [in persian]
- Nasrollahi, M., *Using an appropriate multi-indices technique to rank the fragment producing companies (using criteria of EFQM model)*, MA thesis, 2006. [in persian]
- Nieto, S., *Affirming Diversity: The Sociopolitical Context of Multicultural Education*, Boston: Allyn & Bacon, 2004.
- Pahlavan, Ch. "About cultural development", *Proceedings of the cultural development conference*, 2002. [in persian]
- _____ *Ethnography*, Tehran: ghatreh publication 2003. [in persian]
- Pastijn, H. & J. Leysen, "Construction an outranking relation with ORESTE", *Mathematical Computing Modeling*, Vol. 12, No 10/ 11, pp. 1255-1268, 1989.
- Rezayi, H., *Investigating and clarifying the effects of drought on economy and population instability, case study: Abarkouh*, MA thesis, Zanjan university, 2012. [in persian]
- Riggsfred, development in sartori, Giovanni, *social sciences concepts*, London, 1984.
- Roubens, M., "Preference relations on actions and criteria in multicriteria decision making", *European Journal of Operations Research*, Vol. 10, pp. 51-55, 1982.
- Sattari, J. *About culture*, the ministry of culture and art, Main office for writing. Theran, 1975. [in persian]
- Sharifzade, F. & M. kazemi, *Management and organizational culture*, 1998. [in persian]
- Shateri, M., M. Falsoleiman & M. Hojipur, "Analyzing the capabilities and challenges of cultural development in south Khorasan using swat model", *Journal of cultural and social studies of Khorasan*, pp. 64-79, 2011. [in persian]
- Sobhaninejad, M. & K. Manafi, *The sociology of education and training (principles, strategies and the comprehensive evolution of theories and domains of indices)*, Tehran:yastorun publication, 2011. [in persian]



- Sorkhkamal, k., M. Biratutadzade & M. Zanjirchi, "Ranking the cities of Khorasan Razavi in terms of cultural development indices", *The scientific journal of spatial planning*, 1(2), pp. 95-108, 2011. [in persian]
- Taghvayi, M. & A. Norouzi, "An analysis of the distribution of the spatial facilities and rural services and ranking the villages in chaharmahal bakhtiari", *The scientific journal of Esfahan university*, 24 (3), 2007. [in persian]
- Taghvayi, M. & S. Rahmati, "Analysis of the indices of the cultural development in the provinces of the country", *The journal of geography and regional development*, 7, pp. 117-132, 2006. [in persian]
- The national center for logistics of the country, *The guide for logistics studies*, 2006. [in persian]
- Triandis, H.C., *The analysis of subjective culture*, New York: John Wiley, 1972.
- UNESCO, *Final Report of the International Conference on Cultural Policies in Africa*, Paris: UNESCO Publications, 1975.
- Unesco, *The cultural dimension of development toward a scientific approach*, Translated by T. Mahmoudi, Tehran: the organization of planning and budget, center for socio-economic documents and publications, 1997. [in persian]
- Vosughi, M. & A. Imani, "The future of rural development of stability challenges", *The journal of rural development*, 2010. [in persian]
- Zak, J., *The Comparison of multiobjective ranking methods applied to solve the mass transit systems' decision problems*, proceeding of 16th Mimi Euro conference and 10th meeting of the Euro working group of transportation, 2005.
- Zangi abadi, A., *Analyzing and organizing the spatial structure of urban development indices in the cities with over one hundred thousand population*, Ph.D dissertation, Esfahan university, 1999. [in persian]
- Zarrai, A., M. Izadi & F. Abolhasani, "Determining the possession of the urban areas of Esfahan of the cultural indices", *Journal of geographical research*, 2012. [in persian]